

سلاح های نظامی هسته ای خطرناک، مانند آب خوردن آسان است.

اتفرید ناسور، برگردان: انور میرستاری

با اینکه اسرائیل، هند و پاکستان هر گز پیمان را امضا نکرده اند، اما با این حال دارای سلاح های اتمی شدند. چون پیمان منع سلاح های هسته ای، به کشورهایی که به تازگی دارای سلاح های هسته ای می شوند، اجازه عضویت نمی دهد، چشم پوشی از برنامه های سلاح های هسته ای اولین شرط عضویت برای تمام کشورها خواهد بود. گر چه شانس رخداد این کار بسیار کم است. تعداد زیادی از کشورهای بدون سلاح های هسته ای، بیش از پیش پیمان را به دلیل اینکه کشورهای دارنده سلاح های هسته ای را با وجود داشتن سلاح های هسته ای، در خارج از چارچوب برنامه های خود قرار داده و با آنها به مدارا رفتار می کند و بطور غیر مستقیم به رسمیت می شناسد، مورد انتقاد قرار می دهند.

بخش ۵ از کتاب:

امکان تبدیل یک نیروگاه انرژی هسته ای صلح آمیز به نیروگاه تولیدی

سلاح های نظامی هسته ای خطرناک، مانند آب خوردن آسان است.

نوشته: اتفرید ناسور

از انتشارات بنیاد هانریش بل و بنیاد سبز اروپا

برگردان: انور میرستاری، عضو حزب سبزه های اروپا

۵ – وسایل کنترل و راه های محدود کردن گسترش تولید سلاح های هسته ای

۵.۱ – پیمان های مهم

پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای که در مارس ۱۹۷۰ شکل قانونی به خود گرفته و وارد مرحله اجرایی شد، پایه اصلی سیستم جهانی خلع سلاح هسته ای است. تقریباً همه کشورهای دنیا آن را امضا کرده اند. تنها اسرائیل، هند و پاکستان هر گز در آن پیمان عضو نشده اند.

کره شمالی در ۲۰۰۳ از عضویت این پیمان در آمد.

[با وجود ارتکاب اشتباهی از سوی کره شمالی مبنی بر خروج از پیمان غیرهسته ای، هم چنان با این کشور همانند کشورهای بدون سیستم هسته ای رفتار می شود. زیر نویس از خود نویسنده]

پیمان غیر هسته ای در ماده ۲ خود، دولت های غیرهسته ای را وادار می کند: « نقل و انتقالات سلاح های هسته ای یا دستگاه های منفجره هسته ای یا دستگاه های کنترل چنین سلاح هایی یا چنین وسایل منفجره ای را از هر کس که می خواهد باشد، چه بطور مستقیم و چه غیر مستقیم نپذیرند؛ نه سلاح های هسته ای یا تأسیسات و دستگاه های منفجره هسته ای بسازند و نه آنها را از جایی به هر طریقی بخرند؛ نه در پی یافت و نه در پی دریافت سلاح های هسته ای یا دستگاه های منفجره هسته ای باشند.

متقابلاً در ماده ۱، کشورهای دارنده سلاح های هسته ای متعهد می شوند، هرگز به کشورهای بدون سلاح های اتمی کمک نکنند تا بطور مستقیم و غیر مستقیم تعهدات خود را زیر پا بگذارند.

ماده ۴ حق استفاده کشورهای غیرهسته ای از انرژی هسته ای با هدف صلح آمیز و کسب فناوری های مناسب و لازم در این باره را تضمین می کند.

این ماده می گوید:

« هیچ یک از بندهای این پیمان نباید طوری تفسیر شوند که به حقوق مسلم و جدایی ناپذیر هیچ کدام از طرفین امضا کننده مبنی بر پیشرفت کارهای پژوهشی، تولید و استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای زیان رسانند. [...] تمام طرفین امضا کننده این پیمان متعهد می شوند که در رد و بدل کردن وسایل و مواد لازم، اطلاعات علمی و تکنولوژی به قصد استفاده صلح آمیز انرژی هسته ای کمال همکاری را بکنند و همه این کشورها حق شرکت در آن برنامه ها را دارند. »

این پیمان نامه بین کشورهایایی که دارای اجازه دائم داشتن سلاح های هسته ای هستند، «دارا»، و آنانی که این اجازه را ندارند «نادار»، فرق می گذارد. دو بند در آن دیده می شوند که می گویند، این تمایزها همیشگی نیستند. بند اول که در ماده ۶ قرار دارد، کشورهای دارنده سلاح های اتمی را مجبور می کند تا «با صداقت مذاکرات مربوط به تصویب قوانینی کارساز در قطع مسابقه تسلیحاتی و ادامه

برنامه‌های خلع سلاح اتمی، همچنین در باره یک پیمان خلع سلاح عمومی و کامل با کنترل اکید بین‌المللی را در یک موعد نزدیک دنبال کنند.»

دومین بند در ماده ۱۰ بدین صورت آمده است: « ۲۵ سال پس از اجرای این پیمان، کنفرانس دیگری ترتیب داده خواهد شد تا دیده شود که آیا این پیمان می‌تواند هم چنان ادامه پیدا کند [...] . »

کنفرانس بازنگری پیمان در ۱۹۹۵ تصمیم گرفت که این قرار داد بین‌المللی را بی قید و شرط و بدون محدودیت زمانی تمدید کند. اجرای این تصمیم با پذیرش همزمان سندی در باره « اصول و اهداف » ممکن شد که خود آن هم با سند دیگری، حاوی ۱۳ مرحله عملی، در طی کنفرانس بعدی در سال ۲۰۰۰ تکمیل شد. سند اخیر، برای اولین بار، یک برنامه کاری با اهداف مشخصی را تعیین می‌کرد و همچنین با تحکم زیاد کشورهای غیر هسته ای را به همان اندازه خلع سلاح کشورهای دارای سلاح های هسته ای نشانه گرفته بود.

این تصمیم ها نکات مهم «مصالحه و توافق هایی» را که در مذاکره های پیشین پیمان منع تولید سلاح های هسته ای صورت گرفته بودند، آشکار کرد: برای تعداد زیادی از کشورهای غیرهسته ای، مقررات خشک منع تولید سلاح های هسته ای، تنها زمانی قابل پذیرش بود که به موازات آن، برنامه های خلع سلاح های هسته ای با اهداف نهایی نابودی کامل سلاح های اتمی به پیش بروند. اجرای تعهدات بین ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ با یک آهنگ بسیار کندتر از آنچه که بیشتر دولت ها انتظار داشتند، به پیش رفت. در کنفرانس بازنگری بعدی، در ماه مه سال ۲۰۰۵، شرایط حتی رو به وخامت گذاشت:

دستیاران جرج بوش در ایالات متحده به روشنی گفتند که آنها دیگر خود را همگام با «اصول و اهدافی» که در یک روند ۱۳ مرحله‌ای به همکاری دستیاران بیل کلینتون تهیه شده اند، احساس نمی کنند.

امروزه حکومت آمریکا بیشتر اقدام‌های خود را بطور یکجانبه به فشار آوردن به کشورهای غیر هسته ای در راه هسته ای شدن، متمرکز می‌کند و از این ببعد، هیچ تعهد دیگری را در باره خلع سلاح های هسته ای کشورهای دارنده سلاح های هسته ای نمی پذیرد. این رفتار آمریکائیان ایده کلی «مصالحه ها» و توافقات قابل تمدید آن را که از سوی پیمان منع سلاح های هسته ای موعظه می شد، تا ژرف زیر سؤال برد.

کنفرانس بدون توافق تازه‌ای و با سهل انگاری نسبت به مسأله مهم

ناشی از آن در آینده، بی نتیجه پایان یافت. آیا ممکن است دوباره به طور چند جانبه پیکار برای منع سلاح های هسته ای را به راه انداخت؟ اگر آری، چگونه؟

پیمان چندین ضعف خاص نسبت به سلاح های هسته ای نشان می دهد:

• در حقوق بین الملل که تمام کشورهای مستقل معمولاً با هم برابرند، تنها یک تمایز بین داراها و ندارها وجود دارد. معمولاً در حقوق بین الملل که تمام کشورهای مستقل با هم برابرند، وجود تمایز بین «داراها» و «ندارها» در نوع خود بی همتا است. تمديد کردن نامحدودیت زمانی پیمان منع سلاح های هسته ای، این تفاوت اساسنامه ای را «ابدی» می کند و در این صورت اهداف خلع سلاح رسیدن به «صفر» کم رنگ می شوند. به همین دلیل در زمانیکه دولت آمریکا از «اصول ها و هدف ها» و روند «۱۳ مرحله ای» پشتیبانی نکرد و کوچکترین علاقه ای به خلع سلاح نشان نداد، با انتقاد شدید شمار زیادی از کشورهای غیرهسته ای روبرو شد. این کشمکش می تواند بنیان پیمان منع سلاح های هسته ای را عمیقاً ویران کند.

• پیمان منع سلاح های هسته ای، حق استفاده از فناوری هسته ای با اهداف برنامه های صلح آمیز را به همه کشورهای عضو خود می دهد. همین پیمان، کشورهای دارای چنین فناوری ها را وادار می کند تا آنها را در دسترس کشورهای دیگری که می خواهند از این تکنولوژی ها در کارهای صلح آمیزی مانند تولید برق استفاده کنند، ولی فاقد آنها هستند، قرار دهند. بنا به پیمان منع سلاح های هسته ای، بهره برداری از یک چرخه سوختی بسته برای همه کشورهای بدون سلاح هسته ای کاملاً قانونی است.

[به عنوان مثال، تمام تأسیسات هسته ای که ایران در اختیار دارد - برای هر چه قدر که علنی و هر چقدر دیگر هم که مخفی باشند - بنا به پیمان منع سلاح های هسته ای، اگر فقط برای استفاده انرژی صلح آمیز باشند، در صورت امکان بازرسی آنها توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی، مجازند. - زیر نویس نویسنده]

این کار به یک سلسله دستگاه هایی نیازمند است که با خود خطرات همزاد و جدایی ناپذیر گسترش شدید سلاح های هسته ای را به همراه دارند. لوایح الحاقی «مراقبت ها» و محدودیت های صادرات های مواد این چرخه سوختی که بیشتر اوقات توسط «داراها» انجام و یا پشتیبانی می شود - تمایزات مذکور را تقویت می کند. کشورهای بدون

سلاح‌های هسته‌ای «جنوب» از یک «نژادپرستی هسته‌ای» در استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و دسترسی به فناوری‌های پیشرفته آن، بیم دارند.

• با اینکه اسرائیل، هند و پاکستان هرگز پیمان را امضا نکرده‌اند، اما با این حال دارای سلاح‌های اتمی شدند. چون پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای، به کشورهای که به تازگی دارای سلاح‌های هسته‌ای می‌شوند، اجازه عضویت نمی‌دهد، چشم‌پوشی از برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای اولین شرط عضویت برای تمام کشورها خواهد بود. گرچه شانس رخداد این کار بسیار کم است. تعداد زیادی از کشورهای بدون سلاح‌های هسته‌ای، بیش از پیش پیمان را به دلیل اینکه کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای را با وجود داشتن سلاح‌های هسته‌ای، در خارج از چارچوب برنامه‌های خود قرار داده و با آنها به مدارا رفتار می‌کند و بطور غیر مستقیم به رسمیت می‌شناسد، مورد انتقاد قرار می‌دهند.

دلایلی که در باره این گرایش به عنوان مثال زیاد آورده می‌شود، توافق دوجانبه بین آمریکا و هند در زمان جرج بوش است. این توافق به دو دولت اجازه می‌داد تا در باره برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز با یکدیگر همکاری کنند. در باره رفتار آمریکا با اسرائیل نیز وضع به همان‌گونه است.

[در این فاصله زمانی، چین و پاکستان هم قرارداد مشابهی را امضا کردند. - زیر نویس نویسنده]

«پیمان منع کامل آزمایش‌های هسته‌ای» یک قرارداد چندجانبه دیگری است که می‌تواند بر روی تولید سلاح‌های هسته‌ای تأثیر داشته باشد. در فوریه ۱۹۶۳، رابرت مک‌نامارا در یک یادداشت سیاسی خطاب به رئیس‌جمهور جان اف کندی نوشت: «یک ممنوعیت کامل آزمایش‌های هسته‌ای برای آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان، تولید سلاح‌های هسته‌ای را کندتر خواهد کرد. بیشک، این کار نه تنها غلو نیست، بلکه یقیناً، برای کاهش تعداد کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای یک شرط ناکافی است.»

چنین پیمانی فقط می‌توانست پس از جنگ سرد به نتیجه برسد. از سال ۱۹۹۶ تا کنون ۱۸۲ کشور پیمان را امضا و ۱۵۱ کشور آن را تصویب کرده‌اند که در میانشان کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای مانند روسیه هم به چشم می‌خورند. با این حال، مسلم نیست که روزی «پیمان منع کامل آزمایش‌های هسته‌ای» به صورت قانون در آید. برای این

کار لازم است که همه ۴۴ کشور دارنده برنامه‌های صلح آمیز و جنگ افروز آنرا تصویب کنند. تعداد خیلی زیادی از این کشورها - از جمله جمهوری توده‌ای چین، هند، پاکستان، کره شمالی، اندونزی، اسرائیل، ایران و آمریکا - تا کنون دست به چنین کاری نزده اند و سه کشور حتی آن را امضا نکرده اند.

[اوباما اعلام کرده بود که آهنگ تصویب آن را دارد، اما هنوز اکثریت لازم را در این باره در سنای آمریکا ندارد. - زیر نویس نویسنده]

اگر این قرارداد بین الملل وارد مرحله قانونی خود شود، نقش بزرگی را در باره سلاح های هسته ای خواهد داشت. کشورهایی که برای نخستین بار سلاح اتمی خواهند ساخت، از آن پس نخواهند توانست بدانند که آیا سلاحی که برای هدف پیشبینی شده ویژه ای آن را ساخته اند، کار می‌کند یا نه؟ چیزی که در باره سلاح های اتمی ساخته شده از پلوتونیوم های راکتورهای اتمی هم صادق است.

هدف «پروژه پیمان منع تولید مواد شکافتنی منفجره برای ساخت سلاح های اتمی» متوقف ساختن کمیت لوازم نظامی در سراسر جهان، ممنوعیت تولید مواد منفجره شکافتنی نظامی تازه به قصد پایین آوردن کامل در حال رو به افزایش آن ها است. ده‌ها سال است که این عقیده وجود دارد و هر چند که قطعنامه ۱۱۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۵۷ مصرانه خواهان توقف تولید مواد هسته ای نظامی بود، هیچ مذاکره جدی در کنفرانسی از سازمان ملل برای خلع سلاح که مأموریت نوشتن قرارداد را داشت، صورت نگرفت. با این حال، سازمان ملل از آن به بعد بطور رسمی در باره اجزا و بندهای چنین قراردادی بحث می‌کند. در سال گذشته، با تشکیل یک گروه کاری در باره موضوع مربوطه، در برنامه کاری کنفرانس پذیرفته شد. اما هیچگونه پیشرفتی در کار حاصل نشد. ۶۵ کشور در کنفرانس خلع سلاح هسته ای سازمان ملل شرکت می‌کنند که باید به تفاهم هایی برسند. بنابر این، حسن نیت قدرتهای هسته ای، حتی کوچکترین آن ها، که به انباشتن انبارهای خود ادامه می‌دهند و هنوز به عضویت پیمان منع سلاح های هسته ای در نیامده‌اند، یک پیش شرط اساسی برای پیشرفت اصلی است.

با توجه به انباشتگی سلاح های ناقص قوانین بین الملل در انبارها، این گونه توافق، کشورهای دارنده سلاح های اتمی را وادار می‌کند تا مقدار کمیت مواد شکافتنی منفجره خود را که در انبارهای موجود آماده کاربری هستند، کاهش دهند و بدین ترتیب موجب اطمینان خاطر

امنیتی بیشتری برای کشورهای غیر سلاح های هسته ای خواهد شد.

با در هم آمیختگی این توافق با پروژه هایی مانند توافق بین روسیه و آمریکا که از پیش وجود دارند، همچون حاوی تبدیل ۵۰۰ تن اورانیوم نظامی روسیه به اورانیوم ضعیف شده و آنکه هر کدام تعهد می‌کنند که ۳۴ تن پلوتونیوم برای اهداف نظامی غیرقابل استفاده باشد، مقدار ذخیره های مواد انفجاری راکتورهای نظامی در دراز مدت به طور چشم گیری پایین خواهد آمد.

علاوه بر آن، پیش نویس یک پیمان در باره مواد شکافنده منفجره وجود دارد که اساساً دربرگیرنده بخش نظامی مواد هسته ای است و از لحاظ حقوقی تمام قدرت‌های هسته ای را وادار به کاهش ذخیره هایشان خواهد کرد.

در خیلی از مناطق جهان موفق شدند در مطابقت با ماده ۷ پیمان منع سلاح های هسته ای، قراردادهای نواحی معاف از سلاح های هسته ای را به تصویب رسانند. این قراردادهای عبارت از مقررات منطقه ای برای اعتماد سازی در برابر تولید احتمالی سلاح های هسته ای و فناوری هسته ای هستند که از سوی قدرت‌های هسته ای و از راه « موازنه منفی امنیتی» پشتیبانی می شوند. این تضمین ها فقط قول و قرارهای سیاسی هستند که توسط دولت های مناطق معاف از سلاح های هسته ای صورت می‌گیرند تا دولت های دارنده سلاح های اتمی، با سلاح هایشان آنها را تهدید نکنند و هیچ ارزش و پشتوانه حقوقی ندارند.

توافق نامه‌های چند جانبه دیگری به امنیت ملزومات هسته ای نظامی و پرسش های ویژه مربوط به آن می پردازند. به عنوان مثال در میان آنها می‌توان دید:

– در سطح بین الملل، کنوانسیون مربوط به حفاظت فیزیکی لوازم هسته ای که در سال ۱۹۸۰ آغاز شد و در ۱۹۸۷ به مرحله اجرا در آمد، در ابتدا تنها شامل امنیت ترابری بین‌المللی ابزار و مواد هسته ای بود. این پیمان تا به امروز توسط ۱۴۲ کشور به تصویب رسیده است و در سال ۲۰۰۵، با یک قرارداد الحاقی شامل تعهداتی در باره امنیت هسته ای، مواد هسته ای و انبار کردن آن و هم چنین برای ترابری تکمیل شد؛

– پیمان بین‌المللی جلوگیری از اعمال تروریستی هسته ای در سال ۲۰۰۵؛

– توافق های اجرایی فنون محافظت از مواد و سیستم هسته ای توسط
آژانس بین‌المللی که در حال حاضر در مرحله بازنگری نهایی هستند ()
بخشنامه اطلاعاتی شماره ۲۵۵ با بازنگری چهارم در ۱۹۹۹ و بازنگری
پنجم در ۲۰۰۵).